
اثربخشی یادگیری تلفیقی مبتنی بر شبکه های اجتماعی بر خودتنظیمی تحصیلی دانش آموزان دختر مقطع متوسطه شهر کرج

فرزانه شاهرخی^۱، حق رضا عیوضی^۲، اشرف باباخانلو^۳ و بهزاد شوقی^۴

چکیده

پژوهش حاضر به منظور بررسی اثربخشی یادگیری تلفیقی مبتنی بر شبکه های اجتماعی بر خودتنظیمی تحصیلی دانش آموزان دختر مقطع متوسطه شهر کرج در سال ۱۳۹۵ انجام گرفت. پژوهش حاضر یک مطالعه شبه آزمایشی با طرح پیش آزمون-پس آزمون با گروه کنترل است. جامعه آماری پژوهش کلیه دانش آموزان دختر مقطع متوسطه شهر کرج بود نمونه مورد مطالعه با روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای در دو گروه آزمایش (۲۰ نفر) و کنترل (۲۰ نفر) انتخاب شدند. گروه آزمایش طی ۸ هفته در کنار استفاده از شبکه های اجتماعی و همچنین محتوای درسی به روش سنتی برای کلاس های گروه آزمایش ارائه گردید. روش جمع آوری داده ها بر اساس پرسشنامه استاندارد خودتنظیمی زیرمن و مارتینز-پونز (۱۹۸۶) انجام گرفت. تجزیه و تحلیل اطلاعات به دست آمده از اجرای پرسشنامه ها از طریق نرم افزار SPSS20 در دو بخش توصیفی و استنباطی (تحلیل واریانس با اندازه گیری مکرر) انجام پذیرفت. نتایج تحلیل نشان داد که پس از آموزش تفاوت معناداری در خودتنظیمی تحصیلی با گروه کنترل ایجاد شد. گروه آزمایش بعد از دو ماه پس از آموزش برتری خود را حفظ کردند. نتایج پژوهش، بیانگر تاثیر مثبت استفاده از یادگیری تلفیقی مبتنی بر شبکه های اجتماعی بر خودتنظیمی تحصیلی بود.

کلید واژه ها: یادگیری تلفیقی، شبکه های اجتماعی، خودتنظیمی تحصیلی

تاریخ پذیرش: ۹۵/۶/۹

تاریخ دریافت: ۹۵/۱/۱۵

-
۱. گروه مدیریت، دانشگاه آزاداسلامی واحد امارات متحده عربی، دبى، امارات متحده عربی (مدیر مسئول)
(f.shahrokh@iau.ae)
 ۲. گروه مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاداسلامی واحد امارات متحده عربی، دبى، امارات متحده عربی.
(mr_haghreza@yahoo.com)
 ۳. گروه روانشناسی سلامت، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد، نجف آباد، ایران.
(somayeh_2020m@yahoo.com)
 ۴. گروه مدیریت آموزشی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات، تهران، ایران.
(bsh417@ymail.com)

مقدمه

یکی از نام‌های عصر حاضر، سده کامپیوتر و ارتباطات است و دلیل آن، استفاده از کامپیوتر و نفوذ آن در همه جنبه‌های زندگی انسان و کاربردهای متنوع آن می‌باشد. شاید امروزه، کمتر موسسه، شرکت یا مرکز آموزشی، اداری و تجاری یافت شود که از تاثیرات کامپیوتر و به کارگیری آن بر حذر مانده باشد و به نوعی از مزیت‌های استفاده از آن بهره‌مند نشده باشد (رستگارپور و همکاران، ۲۰۰۹). قرن بیست و یک به سمتی می‌رود که اکثر مشاغل به دانش و مهارت‌های رایانه‌ای نیاز خواهند داشت. ورود به این عرصه به نوع جدیدی از آموزش نیاز دارد که با آموزش سنتی کنونی به خصوص آن چه هم‌اکنون در مدارس کشور ما در جریان است، هم‌خوانی ندارد. با توجه به این که مدار پیشرفت جوامع امروزی وابسته به آموزش و پرورش است، اگر نظام تعلیم و تربیت خود را با بحث‌های صرف نظری مشغول سازد و با روش‌های ناکارآمد و قدیمی راه خود را ادامه دهد، یقیناً همه ابعاد جامعه با رکود فراگیر روبرو خواهد شد. لذا مدارس امروز باید برای عصر اطلاعات طراحی شوند (دلوز^۱، ۲۰۰۱).

چنین شرایطی صاحب‌نظران تعلیم و تربیت را دچار این چالش می‌نماید که با فناوری امروز و سرعت رشد و فراگیر شدن استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات در عصر جهانی چگونه می‌توان فراگیران را به بهترین وجه تربیت نمود و برای زندگی در چنین جوامعی آماده نمود. آنچه در این میان به عنوان پاسخی برای این چالش مطرح شد، مدل یادگیری تلفیقی است که برترین ویژگی‌های قالب‌های آموزش حضوری و الکترونیکی را با یکدیگر ترکیب نموده است (بنک و گراهام^۲، ۲۰۰۵).

در یادگیری تلفیقی استفاده از ابزارهای گوناگون آموزش الکترونیکی اجتناب‌ناپذیر است و یکی از این ابزارها، شبکه‌های یادگیری اجتماعی است. هم‌اکنون اغلب کاربران اینترنت در جهان و ایران عضو یکی از شبکه‌های اجتماعی هستند (ضیایی پرور و عقیلی، ۱۳۸۸) و استفاده از شبکه‌های اجتماعی به یک ابزار محبوب و تأثیرگذار در برقراری ارتباطات اجتماعی مبدل شده است (رانسوری و راسیا^۳، ۲۰۱۴). واضح است در دوره‌ای که آموزش و پرورش نوین از یادگیری تلفیقی بهره‌می‌برد و از امکانات و منابع زیادی برای اساس ساخت یادگیری و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان در زمینه‌های گوناگون درسی و تحصیلی کمک می‌گیرد، نمی‌

1. Deleuze
3. Ratneswary & Rasiah

2. Bonk & Graham

توان از به کارگیری شبکه های اجتماعی در امر آموزش و پرورش به عنوان یکی از ابزارهای مهم و اثربخش در تسریع و تسهیل یادگیری تلفیقی چشم پوشی کرد. خصوصا اگر اقبال عمومی و علاقه نوجوانان و جوانان را به استفاده از این شبکه ها مدنظر قرار دهیم، این اهمیت صدچندان خواهد شد. لذا شایسته است تاثیر این پدیده نو بر تدریس و یادگیری بررسی شود تا اثرات مطلوب آن در امر آموزش مورد استفاده قرار گیرد.

در دهه اخیر، کارشناسان تعلیم و تربیت به مقوله های شناخت و انگیزش توجه بیشتری کرده اند. شناخت در برگیرنده پاریه ای از توانایی ها و اعمال ذهنی از قبیل دانش، درک کردن، تشخیص دادن و تفکر می باشد و انگیزش با مسایلی از قبیل هیجان، نگرش و ارزش گذاری ارتباط دارد. امروزه، اکثر روانشناسان به هر دو مولفه شناخت و انگیزش و نقش آنها در یادگیری توجه دارند و براساس نظریه های جدید مانند مؤلفه های شناخت، انگیزش و کنش وری، یادگیری خودتنظیمی تحصیلی به صورت یک مجموعه در هم تنیده و مربوط به هم در نظر گرفته می شود (ذوفن^۱، ۲۰۱۳). یادگیری خودتنظیمی یک موضوع مهم برای یادگیری انسان است و روان شناسان تربیتی بر شکرک فعالانه یادگیرنده در فرایند یادگیری به جای تجربه یادگیری انفعالی تاکید می کنند (خانی و همکاران، ۲۰۱۳). اهمیت خودتنظیمی تحصیلی و موفقیت تحصیلی و شغلی به حدی است که صاحب نظران مختلف الگوهای متفاوتی از آن ارائه داده اند (آرسال^۲، ۲۰۱۰).

شانک (۱۹۹۸) خودتنظیمی را چنین تعریف می کند: فرد خودتنظیم، تفکرات، احساسات و اعمالش را فعالانه و به طور نظام مندی برای رسیدن به اهدافش جهت می دهد. از این تعریف روشن می شود که فرد به سمت اهداف خود، جهت گیری کرده، تفکرات، احساسات و اعمال خود را به منظور کسب این اهداف شکل داده و به طور نظام مند به سمت این اهداف حرکت می کند (نقل از فلاح کفشگری و حیدری، ۱۳۹۴). بنابراین، به نظر می رسد استفاده از فناوری های روز و پدیده های نوظهور لازمه بهبود و ارتقا سطح خودتنظیمی تحصیلی در دانش آموزان باشد.

از سوی دیگر شبکه های اجتماعی نیز به دلیل تاثیرگذاری عمیق بر روابط اجتماعی، یکی از جلوه های نو در فناوری اطلاعات و ارتباطات است که می تواند در این مورد تأثیرگذار باشد.

¹ -Zofen

² -Arsal

تعریفی که لغت نامه آکسفورد از شبکه های اجتماعی ارائه می دهد چنین است: وب سایت یا نرم افزاری که از طریق انتشار اطلاعات، دیدگاه ها، پیام ها، تصاویر و ... موجب ارتباط کاربران با یکدیگر می شود. همچنین لغت نامه کمبریج شبکه های اجتماعی را به صورت وب سایتی معرفی می کند که برقراری ارتباط و اشتراک گذاری اطلاعات، عکس ها و ... با اعضای یک گروه را برای مردم آسان می کند. کاووسی و کاظمی (۱۳۹۲) معتقدند شبکه های اجتماعی، مجموعه ای از وب سایت های مبتنی بر فناوری وب ۲ هستند و با قابلیت ایجاد شبکه و ارتباطات مجازی تعاملی در فضای سایبر، به تاثیرگذاری در اجتماع می پردازند. اصطلاح شبکه اجتماعی برای توصیف ابزار و پایگاه هایی است که کاربران به وسیله آن ها اقدام به انتشار و به اشتراک گذاری مطالب خود می کنند. شبکه های اجتماعی پایگاه هایی هستند که به صورت اختصاصی برای به اشتراک گذاری اطلاعات، داستان ها، عکس ها، صوت ها و تصاویر ویدئویی کاربران ایجاد شده اند (موسی پور، ۱۳۸۹).

در این پژوهش، منظور از شبکه های اجتماعی، شبکه آموزشی-اجتماعی ادمودو است که در فرایند پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است. این شبکه در سال ۲۰۰۸ در کالیفرنیا ایالات متحده تاسیس شد. ادمودو یک شبکه یادگیری اجتماعی برای معلمان، دانش آموزان و والدین است که با هدف برقراری ارتباط میان کارکنان مدارس و تعامل اطلاعات با والدین دانش آموزان به وجود آمد. این شبکه با داشتن بیش از ۳۵ میلیون کاربر و با ارائه قابلیت هایی چون ارسال تکالیف، ایجاد نظرخواهی، دریافت پاسخ دانش آموزان، بارگذاری کلیپ های ویدئویی، ایجاد گروه های یادگیری و برگزاری آزمون های گوناگون یکی از موفق ترین شبکه های یادگیری اجتماعی است و این امکان را به والدین می دهد که به طور کامل در جریان روند آموزش فرزندان خود قرار بگیرند.

شبکه های اجتماعی در کنار جنبه سرگرمی، برای دسترسی و انتشار اطلاعات مربوط به یادگیری مورد استفاده قرار می گیرند (تنتا^۱، ۲۰۰۹) و استفاده از آنها در جهت تحقق اهداف آموزشی به طور مفصل مطالعه شده است (ایشیک^۲، ۲۰۱۳). شبکه های اجتماعی نه تنها محیط کار و زندگی شخصی افراد را تحت تاثیر قرار می دهند بلکه مهم تر از آن، چشم اندازی نو از آموزش و پرورش ترسیم می کنند (پونودورای^۳، ۲۰۱۴) توجه به شبکه های اجتماعی در زمینه های آموزشی با قوت گرفتن بحث پیرامون فرایند یادگیری متمرکز بر روابط اجتماعی و فناوری

افزایش یافت (گرین هو و روبلیا،^۱ ۲۰۰۹؛ سلوین^۲، ۲۰۰۹). مطالعات فراوانی درباره استفاده از شبکه های اجتماعی در امر تدریس و یادگیری به انجام رسیده است. مطالعات کرامر و وینتر (۲۰۰۸) نشان داد که بین خودکارآمدی و حضور افراد در پلتفرم های وب ۲ مانند شبکه های اجتماعی ارتباط مستقیم وجود دارد. نتایج پژوهش های یانگ^۳ (۲۰۱۱)، باران^۴ (۲۰۱۰) و بسیاری از محققان دیگر نشان داده که دانش آموزان به این سبک از یادگیری الکترونیکی علاقه نشان می دهند و بهبود رابطه اجتماعی معلم-دانش آموز، انگیزه آنها برای یادگیری و به تبع آن خودکارآمدی را افزایش می دهد. شبکه های اجتماعی این فرصت را به یادگیرندگان می دهند تا اطلاعات را سازمان دهی کنند، ایده هایشان را به اشتراک بگذارند، نظرات و بازخوردها را دریافت نمایند و مهم تر این که، از دیگران بیاموزند (وانگ و وو^۵، ۲۰۰۸). به علاوه، این شبکه ها امکان ارتباط میان معلم و دانش آموز را در هر زمان و مکان فراهم می آورند (تادئو و جووانا^۶، ۲۰۱۴). به عقیده یوئی و همکاران، فراگیران می توانند با تشکیل جامعه برخط و به وسیله شبکه های اجتماعی به اهداف آموزشی دست یابند. تحقیقات اخیر نشان داده مدل یادگیری تلفیقی مبتنی بر استفاده از شبکه های اجتماعی مورد قبول و پذیرش دانش آموزان قرار گرفته است و شبکه های اجتماعی پتانسیل بالایی در تحول تدریس و یادگیری دارند (بوش و پریرز^۷، ۲۰۰۹؛ پرز و آریزا^۸، ۲۰۱۳؛ رابلیر و همکاران^۹، ۲۰۱۰؛ سلوین، ۲۰۰۹).

عواملی چون دیده شدن، مشارکت، تولید محتوا به جای مصرف محتوا، ارتباط گیری از طریق اشتراک گذاری منابع، کمک گرفتن از دیگران برای بهبود تولیدات، انگیزه های شخصی و استفاده از تولیدات آموزشی دیگران را می توان از جمله علل مقبولیت پدیده شبکه های اجتماعی و تأثیر آن بر خودتنظیمی بر شمرد (حسینی، ۱۳۸۹). به طور خلاصه، بازنگری پیشینه نشان داد، شبکه های اجتماعی علاوه بر آن که مورد اقبال و علاقه دانش آموزان هستند، امکانات فراوانی برای انتقال اطلاعات و گرفتن بازخورد در اختیار معلم و دانش آموزان قرار می دهند و مرزهای کلاس را در بعد زمان و مکان از میان برمی دارند و موجب افزایش خودتنظیمی می شوند. از آنجا که در دهه حاضر شبکه های اجتماعی به عنوان یکی از ابزارهای نوین آموزشی وارد حوزه آموزش شده اند و فرایند تدریس-یادگیری را تحت الشعاع قرار داده اند، مقوله ای در خور توجه و تحقیق هستند. هدف تحقیق حاضر، تعیین تأثیر استفاده از یادگیری تلفیقی

1. Greenhow & Robrlia
4. Baran
7. Bosch & Preez

2. Selwyn
5. Wang & Woo
8. Prez & Araiza

3. Young
6. Tadeu & Joana
9. Roblyer

مبتنی بر شبکه‌های اجتماعی بر خودتنظیمی تحصیلی دانش آموزان دختر مقطع متوسطه شهر کرج و بررسی این فرضیه است: به کارگیری مدل یادگیری تلفیقی مبتنی بر شبکه‌های اجتماعی بر خودتنظیمی تحصیلی دانش آموزان دختر مقطع متوسطه مؤثر است.

روش شناسی

پژوهش حاضر از نوع تحقیقات کاربردی و در قالب شبه آزمایشی با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه کنترل و پیگیری است. جامعه این پژوهش، دانش آموزان دختر مقطع متوسطه شهر کرج بودند. نمونه‌گیری با توجه به روش پژوهش خوشه‌ای چند مرحله‌ای از میان مدارس که مجهز به امکانات فناوری اطلاعات بودند انجام شد. بدین ترتیب پس از شناسایی مدارس مذکور، لیست آنها تهیه و به طور تصادفی یک مدرسه از میان آنها انتخاب و در این مدرسه دو کلاس به روش تصادفی ساده به عنوان گروه آزمایش (۲۰ نفر) و گروه کنترل (۲۰ نفر) انتخاب شدند. دانش آموزان هر کلاس توسط عوامل مدرسه انتخاب و به صورت تصادفی کلاس بندی شدند و پژوهشگران هیچ دخالتی در انتخاب دانش آموزان کلاس‌ها نداشتند. نمونه مورد نظر از لحاظ سطح فرهنگی و سطح سواد والدین تقریباً مشابه بوده و تفاوت زیادی با هم نداشتند، به همین منظور به عنوان متغیرهای مداخله‌گر حذف شدند. اثر برخی متغیرهای مداخله‌گر نمرات پیش‌آزمون خودتنظیمی نیز با استفاده از تحلیل کوواریانس کنترل شده و مشخص شد که این متغیرها بر معناداری فرضیه تاثیر ندارد. متغیرهایی چون بهره هوشی و معدل سال گذشته به عنوان متغیرهای مداخله‌گر دیگر در پژوهش با استفاده از تحلیل واریانس بیشتر از ۰/۰۵ بوده و نشان از مساوی بودن دو متغیر در بین دو گروه بوده و اثر آنها نیز کنترل شد. برای اجرای پژوهش برای هر دو کلاس یک معلم در نظر گرفته شده و الگوی تدریس و طرح درس در کلیه جلسات تدریس کاملاً یکسان بود. در گروه آزمایش، معلم برای تعامل بیشتر با دانش آموزان از شبکه اجتماعی ادمودو استفاده نمود. به دلیل قابلیت‌های فراوان و مطلوب و همچنین فضای سالم شبکه اجتماعی ادمودو، این شبکه از سوی محققان به عنوان ابزار پژوهش انتخاب شد. جهت آشنایی با این شبکه، طی دو جلسه آموزش‌هایی پیرامون چگونگی عضویت و استفاده از امکانات آن به دانش‌آموزان ارائه شد. همچنین در دو جلسه آموزش خانواده، اطلاعات لازم از این شبکه در اختیار والدین قرار گرفت. معلم در گروه آزمایش پس از فراهم سازی زیرساخت‌های لازم، اطلاعات مربوط به هر جلسه از تدریس را به همراه ویدئوها، عکس‌ها،

سوالات تکمیلی، تکالیف و آزمون های مرتبط در این شبکه قرار می داد. بازخوردهای ویژه برای هر یک از دانش آموزان در زمان مقتضی لحاظ شده و نظرات والدین نیز مورد توجه قرار می گرفت. پس از پایان نیمه اول سال تحصیلی، هر دو گروه از نظر میزان خودتنظیمی مورد آزمون قرار گرفتند. دو ماه بعد آزمون دیگری جهت بررسی تداوم تاثیر یادگیری تلفیقی مبتنی بر شبکه های اجتماعی بر روی هر دو گروه به اجرا در آمد.

ابزار گردآوری داده ها در این پژوهش پرسشنامه خودتنظیمی در یادگیری^۱ زیمرمن و مارتینز-پونز (۱۹۸۶) بود. پرسشنامه خودتنظیمی در یادگیری: زیمرمن و مارتینز-پونز (۱۹۸۶) از طریق مصاحبه با ۸۰ دانش آموز دبیرستانی، ۱۴ راهبرد خودتنظیمی در یادگیری را تشخیص دادند و بر این اساس پرسشنامه ای دارای ۱۵ گویه تهیه کردند. در این پرسشنامه از دانش آموزان خواسته می شود تا میزان استفاده از راهبردهای ۱۴ گانه در زمینه مورد نظر از یک تا چهار درجه بندی نمایند. در این مقیاس یک بیانگر خیلی کم، دو معادل کم، سه گاهی اوقات و چهار بیشتر اوقات می باشد. به علاوه یک سوال نیز اضافه شده است که اگرچه مستقیماً به راهبردی اشاره ندارد، امکان پاسخ خلاقانه دانش آموز را در مورد شیوه ای مبتکرانه از موارد بالا فراهم می آورد. این مقیاس حداکثر ۶۰ امتیاز دارد و به فرم SRLIS^۲ معروف است. زیمرمن و مارتینز-پونز (۱۹۸۶، ۱۹۸۸) روایی ملاکی و روایی همگرایی این ابزار را بررسی و در حد مطلوب گزارش کرده اند. محمودی (۱۳۷۷) به منظور بررسی روایی صوری، این پرسشنامه را در اختیار چند متخصص قرار داد که مورد تایید قرار گرفت. به منظور بررسی روایی آزمون خودتنظیمی دانش آموزان، ضریب همبستگی بین نمرات آزمودنی ها در مطالعات مقدماتی و معدل آنان در امتحانات سال دوم راهنمایی و نیز نمرات دروس انگلیسی و ریاضی آنان در سال دوم محاسبه شد. این ضرایب برای معدل، ۰/۳۸، برای درس ریاضیات، ۰/۳۴، و برای درس انگلیسی، ۰/۳، به دست آمد که در هر سه مورد در سطح $P < ۰/۰۰۱$ معنی دار بود. محمودی (۱۳۷۷) پایایی باز آزمون این ابزار را در یک گروه ۳۰ نفری از آزمودنی ها، ۰/۶۸، و همسانی درونی این آزمون را با روش آلفای کرونباخ ۰/۵۶، به دست آورد. صمدی (۱۳۸۳) پایایی آزمون را از طریق روش باز آزمون روی یک گروه ۳۵ نفری ۰/۶۹، و از طریق همسانی درونی (آلفای کرونباخ) ۰/۶۱، به دست آورد. در مطالعه حاضر پایایی آزمون به روش بازآزمون روی یک گروه ۳۰ نفری ۰/۶۵، و از طریق

^۱ -Self-Regulation in Learning Questionnaire

^۲ -Self-Regulated Learning Interview Scale

همسانی درونی ۰/۶۲. محاسبه شده است.

تجزیه و تحلیل اطلاعات به دست آمده از اجرای پرسشنامه ها از طریق نرم افزار SPSS20 در دو بخش توصیفی (میانگین، واریانس، انحراف معیار) و استنباطی (آزمون تحلیل واریانس با اندازه گیری مکرر) انجام پذیرفت.

یافته ها

همان طور که بیان شد، پژوهش بر روی گروه آزمایش و کنترل به اجرا درآمد. هر یک از گروه ها در سه مرحله (پیش آزمون، پس آزمون و آزمون پیگیری) بر اساس آزمون خودتنظیمی آزمون شدند تا بر اساس اندازه های به دست آمده بتوان در مورد اثربخشی یادگیری تلفیقی مبتنی بر شبکه های اجتماعی داوری نمود. نتایج بررسی توصیفی آزمون های گروه کنترل و آزمایش در جدول شماره ۱ ارائه شده است.

جدول ۱: میانگین و انحراف معیار خودتنظیمی تحصیلی گروه های آزمایش و کنترل در پیش آزمون، پس آزمون و آزمون پیگیری

آزمون پیگیری		پس آزمون		پیش آزمون		موقعیت
انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	گروه
۳.۱۵	۴۲.۴۹	۲.۸۷	۴۴.۵۵	۴.۴۸	۳۵.۶۲	آزمایش
۳.۱۹	۳۷.۴۰	۴.۲۳	۳۸.۳۵	۳.۳۵	۳۷.۴۰	کنترل

نتایج جدول نشان می دهد، بین نمرات پیش آزمون و پیگیری گروه آزمایش و کنترل، به نفع گروه آزمایش، تفاوت وجود دارد.

جدول ۲: نتایج تحلیل واریانس با اندازه گیری مکرر نمره های پیش آزمون، پس آزمون و پیگیری

منبع تغییرات	مجموع مجدورات	درجه آزادی	میانگین مجدورات	F	سطح معناداری
اثر آموزش	۳۲۱.۶۹۵	۱	۳۲۱.۶۹۵	۱۳.۰۴	.۰۰۲
خطا	۸۷۰.۴۵۵	۳۷	۲۰.۱۶۵	-	-
تکرار آزمون	۱۶۰.۲۶	۱	۱۶۰.۲۶	۰۹.۰۱	.۰۰۲
اثر تعاملی	۱۸۴.۰۶	۱	۱۸۴.۰۶	۱۰.۴۴	.۰۰۲
خطا	۶۱۱.۰۲	۳۷	۱۵.۲۱	-	-

همان طور که در جدول شماره ۲ مشاهده می شود، داده ها نشان می دهند، مقدار F میان آزمودنی ها برای ۱۳/۰۴ است که نشان می دهد تفاوت میان دو گروه آزمایش و کنترل در خود تنظیمی تحصیلی در سطح $P < .001$ معنادار است. با توجه به جدول ۱ نمره گروه آزمایش در آزمون خودتنظیمی تحصیلی بعد از آموزش بیشتر از گروه کنترل شده است. اثر تکرار با مقدار F برابر ۰۹/۰۱ که در سطح $P < .001$ معنادار است. از سوی دیگر نمرات پس آزمون و آزمون پیگیری گروه آزمایش از نمرات پیش آزمون بالاتر است. اثر تعاملی (آموزش تکرار آزمون) با مقدار F برابر ۱۰/۴۴ است که در سطح $P < .001$ معنادار است؛ یعنی تعامل میان اجرای سه مرحله آزمون و مداخلات آموزشی توانسته اند تغییرات معنادار در یادگیری خودتنظیمی ایجاد نمایند.

نتیجه گیری

در بسیاری از کشورها، به کارگیری مدل یادگیری تلفیقی در نظام آموزشی به منظور ارتقا کیفیت روش های تدریس و یادگیری مورد توجه خاص قرار گرفته است. از آنجایی که آموزش یک فرایند اجتماعی و فرهنگی است (ایشیک، ۲۰۱۳)، استفاده از شبکه های اجتماعی به عنوان یکی از ابزارهای نوین فناوری اطلاعات و ارتباطات در سال های اخیر با استقبال چشمگیری مواجه شده است (بون و سینکلر^۱، ۲۰۰۹). مطالعات فراوانی پیرامون استفاده از شبکه های اجتماعی در امر تدریس و یادگیری به انجام رسیده اند که هنوز در مراحل ابتدایی خود به سر می برند (وانگ و وو، ۲۰۰۸؛ بوش و پرینز، ۲۰۰۹؛ پرز و آریزا، ۲۰۱۳). دامنه این مطالعات تا

¹ -Boon, & Sinclair

جایی گسترده شده است که مازمن و اسلوتل^۱ (۲۰۱۰) با ارائه مدلی ساختاری نشان دادند چگونه می توان از یک شبکه اجتماعی برای اهداف آموزشی استفاده کرد.

پژوهش حاضر نیز به منظور بررسی تاثیر استفاده از شبکه های اجتماعی در افزایش خود تنظیمی تحصیلی دانش آموزان دختر مقطع متوسطه شهر کرج انجام پذیرفت. برای این منظور از گروه های کنترل و آزمایش و برگزاری آزمون خودتنظیمی تحصیلی استفاده گردید. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که شبکه های اجتماعی در افزایش خودتنظیمی تحصیلی موثر می باشند. با وجودی که در بررسی پیشینه پژوهش، موردی که عینا مشابه پژوهش حاضر بوده باشد یافت نشد، اما موارد متعددی از پژوهش ها در ارتباط با تاثیر شبکه های اجتماعی در خودتنظیمی، یادگیری، انگیزه و پیشرفت و موفقیت تحصیلی وجود دارد که با نتایج پژوهش حاضر همخوانی دارند. از جمله می توان از پژوهش تونکی و همکاران^۲ (۲۰۱۰) که بر تاثیر شبکه های اجتماعی بر آموزش مؤثر و جو حاکم بر کلاس اشاره دارد، نام برد. همچنین می توان به نتایج پژوهش پیریاسیلپا^۳ (۲۰۱۰) اشاره کرد که در مطالعاتش، نقش شبکه های اجتماعی در بهبود تجربیات یادگیری دانش آموزان مورد تاکید قرار داد. میسان^۴ (۲۰۰۶) به نقش شبکه های اجتماعی به عنوان یک فرصت آموزشی با پتانسیل بالا در افزایش قدرت تفکر دانش آموزان اشاره نموده است. همچنین ونتورا و کوئرو^۵ (۲۰۱۳) در مطالعاتشان به این نتیجه دست یافتند که شبکه های اجتماعی موجب بهبود مجموعه ای از مهارت ها و توانایی های مورد نیاز دانش آموزان می شوند. این ارتقای سطح مهارت ها منجر به افزایش یادگیری دانش آموزان می گردد که به نوعی موید نتایج پژوهش حاضر است. تحقیقات ونگ و همکاران (۲۰۱۳) و کبیلان و همکاران^۶ (۲۰۱۰) نشان داده که شبکه های اجتماعی موجب افزایش انگیزه دانش آموزان شده و آنها را تشویق می کنند تا وظایف یادگیری شان را جدی بگیرند. در واقع، افزایش انگیزه یکی از الزامات افزایش میزان یادگیری است. الیسون و همکاران^۷ (۲۰۰۶) در پژوهش های خود نشان دادند، رابطه محکمی میان استفاده از شبکه های اجتماعی و احساسات فردی (اعتماد به نفس، خودتنظیمی و ...) وجود دارد.

شایان ذکر است، محققان طی فرایند تحقیق مواردی را مشاهده کردند که هر یک به نوبه خود می تواند زمینه ساز یک پژوهش علمی باشد. از آن جمله می توان به موارد ذیل اشاره

1. Mazman & Usluel

2. Tuncay

3. Piriyaşilpa

4. Mason

5. Ventura & Quero

6. Kabilan & et al

7. Ellison & et al

نمود که موجب افزایش علاقه دانش آموزان به فرایند آموزش از طریق این شبکه های اجتماعی شده بودند: (۱) ارتباط با مدارس و دانش آموزان سراسر جهان (۲) ارتباط شبانه روزی با معلم مربوطه (۳) تعامل مجازی مستمر با دوستان و همکلاسی ها (۴) مشارکت پویای خانواده ها در امر آموزش (۵) امکان بیان آزادانه ایده ها و نظرات توسط دانش آموز.

بنابراین، با توجه به تاثیرات فراوان کاربرد شبکه های اجتماعی مجازی در آموزش می بایست به طور علمی و با برنامه ریزی دقیق و مبتنی بر طرح درس به سمت استفاده گسترده از این فناوری در امر آموزش حرکت کرد. البته باید توجه داشت که افراط در استفاده از این پدیده ممکن است خود منجر به تاثیرات منفی آموزشی و کاهش بهره وری آموزشی شود. در واقع، فناوری ابزاری برای آموزش است و نه هدف آن. لذا جهت استفاده موثر از شبکه های اجتماعی مجازی، باید شرایط لازم را با توجه به یافته های علمی قابل استناد، فرهنگ سازی در بین معلمان و خانواده ها، فراهم آوردن زیرساخت های مورد نیاز و آموزش معلمان برای استفاده مطلوب و مناسب از شبکه های آموزشی در هر درس به فراخور نیاز آن فراهم آورد.

The Effectiveness of Blended learning based on Social Networks on Academic self-regulation Secondary school Female students Karaj City

Farzaneh Shahrokhi¹, Haghreza eivazi², Ashraf Babakhanloo³, Behzad Shoghi⁴

Abstract

The present study was aimed to examine the Effectiveness of Blended learning based on Social Networks on Academic self-regulation Secondary school Female students Karaj City in the years of 2015. The study was semi-experimental with a pre-test post-test design along with a control group. The statistical population consisted of all Secondary school Female students Karaj City, Sample for study with the method Multi stage cluster sampling in two groups experiment group (20 individuals) and control group (20 individuals) were Select. Experiment group During the 8 weeks beside the use of social networks and also Course Content The traditional way For the experimental group were offered classes. Data collection tool in this study was self-regulation Zimmerman and Martinez-Pons (1986) Standard questionnaire. Analysis of collected data was done through SPSS20 software in two sections: descriptive and inferential (Analysis of variance with repeated measures). The results showed that after training significant differences on Academic self-regulation with control group Created. Experiment group after two months of training Its superiority Maintained. Results Research, Represents positive effect was Blended learning Based on Social Networks on Academic self-regulation.

Keywords: Blended learning, Social Networks, Academic self-regulation

¹ - Department of Management, Islamic Azad University UAE Branch, Dubai, UAE. (f.shahrokhi@iau.ae)

² - Department of educational administration, Islamic Azad University UAE Branch, Dubai, UAE.

³ - Department of Health Psychology, college of Human sciences, Naajafabad Branch, Islamic Azad University, Naajafabad, Iran (somayeh_2020m@yahoo.com)

⁴ - Department of educational administration, college of management and economics, Science and Research branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (bsh417@ymail.com)

منابع

فارسی

- حسینی، م. م. (۱۳۸۹). مدیریت در شبکه های اجتماعی، ره آورد نور، صص: ۴۰-۴۹.
- ضیایی پرور، حمید و عقیلی، سیدوحید. (۱۳۸۸). بررسی نفوذ شبکه های اجتماعی مجازی در میان کاربران ایرانی، مجله رسانه، شماره ۴، صص: ۲۳-۴۲.
- فلاح کفشگری، ر. و حیدری، ش. (۱۳۹۴). مقایسه مهارت های خودتنظیمی در دانش آموزان دوره متوسطه اول هوشمند و سنتی. فصلنامه فن آوری اطلاعات و ارتباطات در علوم تربیتی، سال ششم، شماره دوم، صص: ۶۳-۸۴.
- کاووسی، ا. و کاظمی، ح. (۱۳۹۲). بررسی تاثیرات شبکه های اجتماعی بر تحکیم سرمایه اجتماعی، روابط عمومی، صص: ۲۲-۳۳.
- محمودی، ز. (۱۳۷۷). بررسی رابطه خودپنداره-یادگیری خودتنظیم و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دختر پایه دوم راهنمایی شهرستان شهریار. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم.
- موسی پور، م. ص. (۱۳۸۹). آشنایی با اصطلاحات رایج در شبکه های اجتماعی، راه آورد نور، صص: ۲۸-۳۱.

انگلیسی

- Arsal, Z. (2010). The effects of diaries on self- regulation strategies of preservice science teachers. *International Journal of Environmental & Science Education*, 5(1), 85-103.
- Bonk, C., & Graham, C. (2005). *Handbook of blended learning: Global perspectives*
- Baran, B. (2010). Facebook as a formal instructional environment. *British Journal of Education*, 146-149.
- Bosch, T., & Preez, A. (2009). Using online social networking for teaching and learning: Facebook use at the University of Cape. *South African Journal for Communication Theory and Research*, 200-285.

- Boon, S., & Sinclair, C. (2009). A world I don't inhabit: disquiet and identity in second life and facebook. *Communication and Educational Media International*, 99-110.
- Deleuze, Z. (2001). *Training for the twenty- first century* (Translation by S.F. Eftekhazadeh). Tehran: Abed.
- Ellison, N. H. (2006). Managing impressions online: Self-presentation processes in the online dating environment. *Journal of Computer-Mediated Communication*, 11, 415-441
- Greenhow, C., & Robrlia, B. (2009). Informal learning and identity formation in online social networks. *Learning, Media and Technology*, 119-140
- Isik, F. (2013). Of the use of social network in education between north and south Cyprus. *Social and Behavioral Sciences*, 210-219.
- Khani, M., Bagheri, S., & Daneshyar, L. (2013). The relationship is self-learning strategies with a score of high school physics students. *Scientific Association of Physics Teachers education Iran*, from 12 to 15 September 2013, university educators. (in Persian).
- Kabilan, M., Ahmad, N., & Abidin, M. (2010). Facebook: An online environment for learning of English in institutions of higher education. *The Internet and Higher Education*, 179-187.
- Mazman, S., & Usluel, Y. (2010). Educational Usage of Facebook. *Computer and Education*, 444-453.
- Mason, R. (2006). Learning technologies for adult continuing education. *Studies in Continuing Education*, 121-133.
- Ponnudurai, P. (2014). Facebook: A shift from social to academia. *Social and Behavioral Sciences*, 122-129.
- Prez, T., & Araiza, M. (2013). Using facebook for learning: a case study on the perception of students in higher education. *Social and Behavioral Sciences*, 3259-3267.
- Piriyaasilpa, Y. (2010). See you in facebook: the effects of incorporating online social networking in the language classroom. *eJournal of Digital Enterprise*

- Rastgarpoor, H., Saligheh, F., Alvandi Sarabi, M., Kavosian, J. (2009). The point of view of teachers in Tehran on the use of computers in education and its relationship with computer anxiety. *Educational Research*, 20, 135-158. (in Persian).
- Ratneswary, R., & Rasiyah, V. (2014). Transformative higher education teaching and learning: using social media in a team-based learning environment. *soc.Behav*, 369-378.
- Roblyer, M., McDaniel, M., Webb, M., Herman, J., & Witty, J. (2010). Findings on Facebook in higher education: A comparison of college faculty and student uses and perceptions of social networking sites. *The Internet and Higher Education*, 134-140
- Selwyn, N. (2009). Faceworking: exploring students' education related use of Facebook. *Learning, Media and Technology*, 157-174.
- Tonta, Y. (2009). Digital natives, social networks and the future of libraries. *Turk Kutuphaneciligi*, 742-768.
- Tadeu, P., & Joana, L. (2014). Social network in education: a mathematical pilot test. *Social and Behavioral Sciences*, 2409-2418
- Tuncay, N., Keser, H., & Uzunboylu, H. (2010). If knowledge is power why keep it secret. *Social and Behavioral Sciences*, 5650-5658
- Ventura, R., & Quero, J. (2013). Using Facebook in University Teaching: A Practical Case-Study",. *Social and Behavioral Sciences*, 1032-1038.
- Wang, Q., & Woo, H. (2008). New Educational Technology. *New York: Nova Science Publishers*, 183-199
- Wong, H., & Ng, E. (2013). Facebook: more than social networking for at-risk student. *Social and Behavioral Sciences*, 22-29.
- Young, K. (2011). Ties, social networks and the facebook experience. *International Journal of Emerging Technologies and Society*, 20-34.

- Zofen, A. (2013). *Application of new technologies in education: The study and compilation of humanities universities* (side). Humanities Research and Development Center. (in Persian).
- Zimmerman, B. J., & Martinez-Pons, M. (1986). Development of a structural interview for assessing student use of selfregulated learning strategies. *American Educational Research, 23*, 614-628.
- Zimmerman, B. J., & Martinez-Pons, M. (1988). Construct validation of a strategy model of student self regulated learning. *Journal of Educational Psychology, 11*, 314-332.